

**The Role of the Leader in the Stability of the Islamic Revolution of Iran
with Emphasis on the Statement
of the Second Step of the Islamic Revolution**

Received: 26-05-2021

Accepted: 19-08-2021

Gholamreza Behrooz Lak***Reza Kafili****

(304-332)

The Islamic Revolution of Iran is the most stable revolution compared to other contemporary revolutions. This article has been done by qualitative research method of text content analysis and seeks to answer this question: "By emphasizing the statement of the second step of the revolution, what role does the leader play in the stability of the Islamic Revolution of Iran?" The leaders of the revolutions have three basic functions: 1. Ideological; 2. mobilization; 3. Institutionalization and management. By studying the statement of the second step of the Islamic Revolution of Iran, it can be seen that the leaders of the revolution regarding the first function The idea of Imamate and Wilayah is an up-to-date interpretation of Islamic thought while maintaining religious originality, enduring ideals, creating self-confidence, They have institutionalized or enhanced the idea of resistance, spirituality, and morality by taking very important steps; As for the second function, things like being popular and staying popular and strengthening the emphasis on unity; Regarding the third function, the leaders of the Islamic Revolution have played the managerial role of the revolution due to process management, blocking the infiltration channels of the enemies, relying on internal ability and promoting justice. With the performance of three basic functions by the leaders of Islamic Iran, the Islamic Revolution has become the most stable revolution among contemporary revolutions.

Keywords: Islamic Revolution, the Role of the Leader, Stability, the Second Step of the Revolution.

* Professor of Political Science, Baqir al-Olum University, Qom, Iran: behroozlak@gmail.com.

** PhD Student in Political Science, Baqir al-Olum University, Qom, Iran (Corresponding Author):
kafilir@yahoo.com.



نقش رهبر در پایداری انقلاب اسلامی ایران با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۲۸

غلامرضا بهروزی لک*

رضا کفیلی**

(۲۰۴-۳۳۲)

چکیده

انقلاب اسلامی ایران پایدارترین انقلاب در مقایسه با سایر انقلاب‌های معاصر است. یکی از عوامل مهم پایداری این انقلاب نحوه ایفای نقش رهبر است. این نوشتار با روش پژوهش کیفی تحلیل محتوای متن انجام شده و درصدد پاسخ به این مسئله است: «با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب، رهبر چه نقشی در پایداری انقلاب اسلامی ایران دارد؟» رهبران انقلاب‌ها سه کارویژه اساسی دارند: ۱. ایدئولوژیک؛ ۲. بسیج‌کنندگی؛ ۳. نهادسازی و مدیریت. با مطالعه بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ایران، مشاهده می‌شود که رهبران انقلاب در خصوص کارویژه اول، اندیشه امامت و ولایت، تقریری روزآمد از اندیشه اسلامی با حفظ اصالت دینی، استقامت بر آرمان‌ها، ایجاد خودباوری، اندیشه مقاومت و معنویت و اخلاق را با انجام اقدامات بسیار مهمی نهادینه کرده یا افزایش داده‌اند؛ در خصوص کارویژه دوم، اموری مانند مردمی بودن و مردمی ماندن و تأکید بر وحدت را تقویت کرده‌اند؛ درباره کارویژه سوم، رهبران انقلاب اسلامی به سبب مدیریت فرایندی، مسدود کردن مجاری نفوذ دشمنان، اتکا به توانایی داخلی و گسترش عدالت، نقش مدیریتی انقلاب را ایفا کرده‌اند. با انجام گرفتن سه کارویژه اساسی توسط رهبران ایران اسلامی، انقلاب اسلامی پایدارترین انقلاب در میان انقلاب‌های معاصر شده است.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، نقش رهبر، پایداری، گام دوم انقلاب.

* استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران: behroozlak@gmail.com

** دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران (نویسنده مسئول): kafilir@yahoo.com

مقدمه

انقلاب‌های مختلفی در جهان به وقوع پیوسته است که پس از پیروزی، شور انقلابی را از دست داده و به دوره پیش از انقلاب چرخش یافته‌اند. آنها با ناپایداری خود باعث شکل گرفتن دوران پساانقلاب می‌شوند و سپس به تاریخ می‌پیوندند.

از نظریه‌هایی که به ناپایداری انقلاب‌ها اشاره دارد، نظریه کرین بریتون تحت عنوان ترمیدور است. این نظریه می‌گوید: انقلاب‌ها پس از پیروزی و گذشت مدتی، فرومی‌نشینند و به حالت پیش از انقلاب بازمی‌گردند. البته این نظریه همانند نظریه‌های مارکسیستی به دلیل نادیده انگاشتن نقش اراده افراد در تحولات اجتماعی، نامعتبر است (ر. ک. امینی و مبینی، ۱۳۹۸: ۲۳-۴۸).

یکی از عوامل مهم پایداری انقلاب‌ها نقش مؤثر رهبر انقلاب است. انقلاب‌های بزرگی مانند انقلاب فرانسه، انقلاب روسیه و جنبش اخوان المسلمین مصر از انقلاب‌هایی بودند که عمده دلیل ناپایداری‌شان، عملکرد رهبران‌شان بود؛ به گونه‌ای که نهایتاً دوران پساانقلاب به وجود آمد و انقلاب‌های آنان فراموش شد و به تاریخ پیوستند. با بررسی شکست آنها می‌توان دلایل گوناگونی از ضعف رهبران‌شان بیان کرد: رهبر هر انقلابی برای پیشرفت انقلاب، همراهی انقلابیان و پیروزی آنان از راهبردهای گوناگونی استفاده می‌کند، اما برخی موانع باعث خنثی شدن آن راهبردها می‌شوند. رهبران انقلاب‌های روسیه و فرانسه از طبقات اجتماعی متوسط و بالا بودند و بنابراین، نمی‌توانستند با انقلابیان طبقه محروم و مستضعف جامعه ارتباط گیرند؛ همچنین، آنان در حالی نماینده طبقه خاصی از جامعه بودند که خودشان عضو آن طبقات نبودند (ر. ک. جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۷: ۲۰۳). این مسائل منجر به ضعف عملکرد رهبران آنان در اداره انقلاب شد؛ به گونه‌ای که در انقلاب فرانسه به دلیل عدم اتحاد رهبران و در انقلاب روسیه به دلیل فروپاشی قدرت حکومت و در اخوان المسلمین مصر به دلیل ضعف رهبران در صیانت از اهداف و مقاصد اصلی جنبش، دچار ناپایداری شدند.

یکی از انقلاب‌های پایدار انقلاب اسلامی ایران است که در سال ۱۳۵۷ به پیروزی رسید، و به سبب رهبری دایمانه آن توسط امام خمینی علیه السلام و امام خامنه‌ای علیه السلام، تنها انقلابی

است که پس از گذشت چله اول آن، همچنان جریان دارد و موجب تولید فرهنگ و تفکر انقلابی و مانع به وجود آمدن دوران پساانقلاب و به تاریخ پیوستن آن شده است. ایفای نقش رهبری گرچه یکی از علل مهم محدثه انقلاب اسلامی ایران است، از آنجا که «علل محدثه علل مبقیه هم هستند» (مطهری، ۱۳۹۹، ج ۱: ۹۳)، می‌توان علل به وجود آمدن انقلاب اسلامی را به عنوان بخشی از علل باقی ماندن و پایداری انقلاب ذکر کرد.

با آسیب‌شناسی انقلاب‌های ناپایدار و پیدا کردن ضعف رهبری به عنوان یکی از علل مهم ناپایداری آنها، بررسی پایداری انقلاب اسلامی و نقش بسیار مؤثر رهبری در آن اهمیت می‌یابد. پژوهش حاضر با بیان کارویژه‌های رهبر در انقلاب‌ها و تطبیق آنها بر دستاوردهای اشاره‌شده در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ایران که منجر به پایداری انقلاب شده‌اند، درصدد روشن کردن مسئله نقش رهبر در پایداری انقلاب اسلامی ایران با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب است.

این پژوهش با بررسی و تحلیل نقش رهبر در پایداری یا ناپایداری انقلاب‌های بزرگ جهان به روش توصیفی-تحلیلی و مراجعه به کتاب‌ها و مقاله‌های مختلف انجام شده و سپس با تطبیق کارویژه‌های رهبر در انقلاب‌ها با دستاوردهای چله اول و برنامه‌های مطرح‌شده برای چله دوم در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ایران، درصدد بررسی نقش رهبر در پایداری انقلاب اسلامی ایران است.

پیشینه پژوهش

در باره موضوع نقش رهبر در پایداری انقلاب، پژوهش‌های گوناگونی انجام شده است. یکی از آنها مقاله «مؤلفه‌های مانایی انقلاب اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری (علیه‌السلام)» است. این اثر که در شماره یک (دوره ششم، ۱۳۹۷) مجله جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام چاپ شده، با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون به مؤلفه‌های مختلف مانایی انقلاب اسلامی ایران به عنوان مضمون فراگیر و رهبری، اسلام، مردم و کارآمدی به عنوان مضامین سازمان‌دهنده پرداخته است.

تفاوت پژوهش حاضر با این پژوهش اولاً به بررسی نقش رهبر در پایداری انقلاب

اسلامی ایران برمی‌گردد که پژوهش حاضر به نقش رهبر به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم پایداری انقلاب پرداخته، اما ایشان به بررسی همه مؤلفه‌های مانایی انقلاب در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام پرداخته‌اند؛ ثانیاً پژوهش حاضر مسئله تأثیر نقش رهبر در پایداری انقلاب را با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب انجام داده، ولی در آن پژوهش بیانیه اصلاً مطرح نبوده است.

همچنین مقاله «تأثیر دستگاه معرفتی نیروهای اجتماعی بر مانایی انقلاب اسلامی ایران» که در شماره ۸ (۱۳۹۳) فصلنامه انجمن انقلاب اسلامی ایران چاپ شده، درصدد بیان مانایی انقلاب اسلامی ایران با بهره‌گیری از دستگاه معرفتی نیروهای اجتماعی انقلاب ایران است. در این مقاله، جامعیت گفتمان انقلاب اسلامی ایران که شامل «گفتمان رهبری» و «دین به‌عنوان جامع‌ترین گفتمان» می‌شود و همچنین «اقناع و رضایت درونی نیروهای اجتماعی از انقلاب» به‌عنوان عوامل اصلی مانایی انقلاب اسلامی ایران بیان شده است.

تفاوت این پژوهش با پژوهش حاضر در بررسی علل پایداری انقلاب است: پژوهش حاضر در نقش رهبر متمرکز شده است و آن را با تأکید بر بیانیه بررسی می‌کند، اما این پژوهش گفتمان رهبری و دین را منبع غنی برای اقناع و رضایت درونی نیروهای اجتماعی از انقلاب عنوان و از نگاه غنای بنیانی، پایداری انقلاب را بررسی می‌کند، نه از نگاه نقش عملیاتی رهبر.

یکی از مقالات دیگر در این زمینه، «تفاوت نقش و جایگاه رهبری در انقلاب اسلامی ایران و جنبش بیداری اسلامی مصر» است که در شماره ۲۸ فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی (۱۳۹۱) چاپ شده است. این مقاله با طرح مباحث مبانی حکومتی و جایگاه حاکم در اندیشه سیاسی شیعه و سنی و همچنین با اشاره به مسئله حجیت اجتهاد، انقلاب اسلامی ایران را با انقلاب مصر مقایسه کرده است. در ادامه به تفاوت‌های نقش رهبر در ایران و مصر پرداخته و نقش رهبر ایران در خصوص هدایت امور جامعه را پررنگ‌تر از انقلاب مصر عنوان کرده و آن را به‌عنوان قوت انقلاب اسلامی ایران بیان کرده است.

فرق پژوهش حاضر با این پژوهش بررسی مقایسه‌ای مبانی جایگاه رهبری در انقلاب اسلامی با جنبش اخوان المسلمین و طرح مباحثی مانند مبانی حکومتی شیعه و سنی است.

رهبری را به‌عنوان یک عنصر بسیار مؤثر در انقلاب اسلامی ایران معرفی می‌کند، اما درصدد مقایسه با جایگاه رهبری در اخوان‌المسلمین است. اشتراک پژوهش حاضر با این مقاله را می‌توان در بررسی جایگاه رهبری در انقلاب اسلامی ایران دانست، اما از لحاظ بررسی تخصصی نقش رهبر در پایداری انقلاب اسلامی ایران با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب تفاوت آشکار دارند.

مقاله دیگری با عنوان «ایدئولوژی و رهبری و تأثیر آن بر پیروزی سریع، ثبات پایدار و بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران» هست که در شماره ۲ فصلنامه سیاست (۱۳۸۹) چاپ شده است. این اثر علمی به میزان گسترش ایدئولوژی انقلاب اسلامی و راهبردهای رهبری حضرت امام^ع در انقلاب اسلامی اشاره کرده و سپس به تأثیرات این دو عامل بر سقوط سریع رژیم پهلوی و ثبات پایدار پس از پیروزی و بازتاب جهانی انقلاب اسلامی پرداخته است. اما پژوهش حاضر اولاً فقط پایداری پس از انقلاب را بررسی کرده، ثانیاً در خصوص رهبری به شخصیتی متمرکز نشده، بلکه انجام کارویژه‌های رهبری توسط امامین انقلاب با تأکید بر بیانیه گام دوم را مد نظر قرار داده است.

در میان پایان‌نامه‌ها نیز اثری با عنوان «نقش رهبری در تداوم انقلاب اسلامی ایران» در دانشگاه تهران پژوهش شده است. در بخشی از آن، دیدگاه‌های استراتژی (راهبردی) اعم از مبادی تفکر راهبردی، ویژگی‌های تصمیمات راهبردی، شناخت راهبردی محیط، نظریه‌های تصمیم‌گیری، برخی الگوهای تصمیم‌گیری راهبردی در مدیریت نوین و کارویژه‌های رهبری ولایی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان شده است. در بخشی دیگر، به راهبرد و تاکتیک‌های امام خمینی^ع در تکوین انقلاب اسلامی و نقش رهبری ایشان در تثبیت نظام جمهوری اسلامی و تداوم انقلاب اسلامی و همچنین نقش رهبری مقام معظم رهبری^ع در استواری نظام جمهوری اسلامی و تداوم انقلاب اسلامی پرداخته است.

تفاوت این اثر با پژوهش حاضر در این است که ایشان تداوم انقلاب را بررسی کرده‌اند، اما پژوهش حاضر پایداری انقلاب را بررسی کرده است، که این دو از لحاظ مفهومی جدای از یکدیگرند؛ ثانیاً تأکید پژوهش حاضر بر بیانیه گام دوم و دستاوردهای مذکور در آن است که منجر به پایداری انقلاب شده است، اما ایشان به‌صورت مطلق بررسی کرده‌اند.

در این موضوع، جناب آقای فریدون اکبرزاده کتابی با عنوان نقش رهبری در نهضت مشروطه، ملی نفت و انقلاب اسلامی تألیف کرده است. این اثر که از سه فصل تشکیل یافته، بر مبنای کارویژه‌های سه‌گانه رهبری در انقلاب‌ها (ایدئولوژی)، بسیج‌کنندگی، و نهادسازی و مدیریت، در فصل اول به نقش رهبری در نهضت مشروطه، در فصل دوم به نقش رهبری در جنبش ملی شدن صنعت نفت و در فصل سوم به نقش رهبری در انقلاب اسلامی پرداخته است.

همچنین آقای منوچهر محمدی کتابی با عنوان انقلاب اسلامی: زمینه‌ها، پیامدها تألیف کرده است. این اثر از هشت فصل تشکیل یافته که در فصل اول کلیات و مبانی نظری را تعریف می‌کند؛ در فصل دوم شرایط سیاسی-اجتماعی پیش از انقلاب را بررسی و در فصل سوم علل و عوامل مختلف شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی را بیان می‌کند، که ذیل آنها به نقش چهارگانه رهبری، یعنی ظهور و تثبیت رهبری سیاسی امام خمینی^ع، امام خمینی^ع به عنوان نظریه پرداز، امام خمینی^ع به عنوان فرمانده انقلاب و امام خمینی^ع به عنوان معمار انقلاب در شکل‌گیری انقلاب پرداخته است؛ در فصل چهارم و پنجم عوامل شتاب‌زا در پیروزی انقلاب اسلامی و شرایط و اوضاع و احوال پس از پیروزی انقلاب اسلامی را تحلیل و سپس در فصل ششم، هفتم و هشتم، انقلاب اسلامی را با سایر انقلاب‌ها مقایسه کرده و سپس به دستاوردهای انقلاب اسلامی پرداخته و آن را آسیب‌شناسی کرده است.

نوآوری پژوهش حاضر در مقایسه با آثار انجام‌شده این است که اثر حاضر درصدد بیان تفصیلی نقش‌های سه‌گانه رهبری، یعنی ایدئولوژی، بسیج‌کنندگی و نهادسازی و مدیریت در پایداری انقلاب اسلامی ایران است. پژوهش‌های انجام‌شده که صرفاً به ذکر نقش رهبر در انقلاب‌ها پرداخته‌اند، تمرکزی بر چگونگی تأثیر آن بر پایداری انقلاب اسلامی ندارند؛ ثانیاً نقش هر دو امامین انقلاب اسلامی را در پایداری آن در نظر گرفته است؛ ثالثاً این پژوهش نقش رهبر را در پایداری انقلاب اسلامی با بهره‌گیری از متن بیانیه گام دوم انقلاب و تطبیق کارویژه‌های رهبری با دستاوردهای مذکور در بیانیه بررسی کرده و به نقش بی‌بدیل رهبری در پایداری انقلاب ایران پرداخته است.

مفاهیم پژوهش

۱. انقلاب

واژه انقلاب^۱ در لغت به معنای «برگردیدن و واژگون شدن و برگشتن از کاری و حالی» (دهخدا، ۱۳۷۹، ج ۳: ۳۷۸) و «برگشتن از حالی به حالی، دگرگون شدن، زیور و شدن، تغییر و تحول» (معین، ۱۳۸۶: ۲۰۸) است. نظریه پردازان معانی مختلفی از انقلاب ارائه داده‌اند که می‌توان آنها را در دو رویکرد دسته‌بندی کرد:

رویکرد نخست: انقلاب به مثابه امر دفعی؛ یعنی تعاریف اندیشمندان از انقلاب به تغییراتی که منجر به پیروزی و سقوط نظم مستقر می‌شود مربوط است و شامل پس از تحقق انقلاب نمی‌شود؛ مانند تعریف شهید صدر که می‌فرماید: «انقلاب جنبشی سرسختانه و بر مبنای اصول مکتبی معینی است که با درک واقعیت‌های موجود، به دنبال تغییر و دگرگونی بنیادین در تمامی ابعاد زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی و معیارها، اصول و ارزش‌های حاکم است» (جمشیدی، ۱۳۷۷: ۱۲۰)؛

رویکرد دوم: انقلاب به مثابه امر مستمر: در این تعریف، انقلاب به معنای صیورورت دائمی است و با سقوط نظام قدیم تمام نمی‌شود، بلکه در نظام جدید نیز استمرار و تداوم دارد؛ مانند تعریفی که رهبر معظم علیه السلام درباره انقلاب فرمودند:

انقلاب یک حقیقت ماندگار و حقیقت دائمی است. انقلاب یعنی دگرگونی. دگرگونی‌های عمیق در ظرف شش ماه و یک سال و پنج سال به وجود نمی‌آید؛ علاوه بر اینکه اصلاً دگرگونی و صیورورت یعنی حالی به حالی شدن؛ تحول. اصلاً حد یقف ندارد: هیچ وقت تمام نمی‌شود (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۲۵).

بنابراین، انقلاب تمام نمی‌شود. انقلاب استمرار و ادامه دارد و متوقف نمی‌شود. یک صیورورتی وجود دارد. صیورورت یعنی شدن؛ شدن دائم؛ تحول دائمی (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۹۷/۳/۷).

تعریف مدنظر در این مقاله رویکرد دوم در تعریف انقلاب است.

۲. رهبری

واژه رهبری از لحاظ لغوی «راهبری، دلالت، هدایت، راهنمایی، ارشاد» (دهخدا، ۱۳۷۹، ج ۹: ۱۲۳۲) معنا شده است. در اصطلاح عبارت است از رهبر نقش بسیج‌کننده دارد و بسیج توده‌ها نیازمند وجود شرایط نامطلوب اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی ویژه‌ای است. رهبر با طرح این ناهنجاری‌ها می‌تواند عمل بسیج را صورت دهد (ر. ک. روشه، ۱۳۹۵: ۱۴۵-۱۴۶). از نظر شهید مطهری نیز، رهبر به کسی اطلاق می‌شود که «مردم را به دنبال خودش حرکت می‌دهد. حال ممکن است یک نفر هم پیدا بشود که مردم را ساکن نگه دارد. او دیگر رهبر نیست. همه رهبران امت‌ها و ملت‌ها را به حرکت درمی‌آورند، ولی بحث در نحوه و گونه حرکت، شکل و تاکتیک حرکت است» (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۴۶).

از لحاظ نظری و بر اساس شرایط میدانی، رهبران انقلابی به سه گروه «رهبران فکری یا ایدئولوژی‌پرداز»، رهبران «بسیجگر» (کاریزماتیک) و رهبران «مدیر یا سیاست‌گذار» تقسیم می‌شوند. دسته اخیر وظیفه تثبیت، استواری و نهادینه کردن آن را به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب برعهده دارند. باین حال، رهبر می‌تواند هم‌زمان هر سه این ویژگی‌ها را داشته باشد (بشیریه، ۱۳۸۴: ۸۸). امام خمینی علیه السلام مصداق این ویژگی هستند. ایشان، هم طراح، هم ایدئولوگ و هم معمار و مدیر و مجری انقلاب بودند که در همه مراحل انقلاب، چه پیش و چه پس از پیروزی، به این عنوان شناخته می‌شوند (حشمت‌زاده، ۱۳۷۸: ۲۳۷).

رهبران انقلاب‌ها اهداف انقلاب را روشن می‌کنند و درباره شیوه برخورد با حکومت تصمیم می‌گیرند. آنان وضعیت موجود را بر اساس ایدئولوژی انقلاب تقبیح و تصویری از جامعه بهتر ترسیم می‌کنند و سپس وعده پیروزی و آینده‌ای مطلوب به انقلابیان می‌دهند. اگر در جنبش یا انقلابی رهبر نباشد، معمولاً نارضایتی‌های عمومی به شورش می‌انجامد. البته نقش رهبر انقلاب محدود به پیروزی انقلاب آن نیست، بلکه در تداوم آن پس از پیروزی هم نقش اساسی دارد.

۳. پایداری و ثبات

واژه پایداری در لغت به معنای «مقاومت، استقامت و ایستادگی» (دهخدا، ۱۳۷۹، ج ۵:

۶۰۹) است، اما در اصطلاح از مفهوم پایداری دو معنای جریان داشتن و نهادینه شدن قابل فهم است. این مفهوم وقتی در خصوص انقلاب استفاده می‌شود، اگر معنای اول مقصود باشد، یعنی انقلاب و احوال و احساس انقلابی در زمان حال هم موجود است و مردم به صورت انقلابی عمل و حتی گاهی در قالب انقلابی عمل کردن بر ضد آرمان‌های اصلی انقلاب فعالیت می‌کنند؛ ولی اگر معنای دوم (نهادینه شدن انقلاب) باشد، یعنی انقلاب پس از پیروزی، توانسته است با نفوذ به لایه‌های مختلف اجتماعی، آرمان‌هایش را به فرهنگ آن جامعه تبدیل کند. مقصود از پایداری انقلاب در این پژوهش، معنای دوم آن یعنی نهادینه و فرهنگ شدن انقلاب، صیانت از اصالت شعارها، پیشرفت مستمر و تعهد به آرمان‌های اصیل است.

کامل‌ترین تعریف در میان معانی گوناگونی که برای ثبات ذکر شده، تعریف دیوید ساندرز^۱ است که می‌گوید: «تا جایی که من اطلاع دارم، تاکنون هیچ‌کس سعی نکرده از نظام‌های سیاسی باثبات به عنوان تنها نظام‌های کاملاً ایستا و بدون تغییر یاد کند. در واقع، به نظر می‌رسد اکثریت دانشمندان علوم سیاسی موافق‌اند که ثبات سیاسی مستلزم حذف امکان تغییرات مهم اجتماعی نیست» (ساندرز، ۱۳۸۰: ۶۰). «فضای تعریفی که ساندرز از ثبات سیاسی به دست می‌دهد، فضایی متغیر بوده و پویایی را درون‌مایه ثبات سیاسی قرار داده است» (خواجه‌سروی، ۱۳۸۲: ۹۵).

بنابراین، ارتباطی بین پایداری و ثبات مشاهده می‌شود؛ به گونه‌ای که هر دو آنها بر تداوم انقلاب اشاره دارند؛ بدین صورت که پایداری به صورت کامل بر تداوم اطلاق می‌شود، اما در ثبات، تداوم به عنوان مفهوم کلیدی و جزئی از آن محسوب می‌شود.

چهارچوب تحلیلی پژوهش

در خصوص پایداری و ناپایداری انقلاب‌ها نظریه‌های مختلفی طرح شده است. برخی از آنها مسیر انقلاب‌ها را محتوم و جبری می‌دانند و اراده افراد جامعه را در آن لحاظ نمی‌کنند. نظریه‌های مارکسیستی و نظریه کرین برینتون معروف به نظریه ترمیدور از نمونه‌های این نوع

1. David Sanders.

نگاه به انقلاب هستند. نظریه ترمیدور چرخش انقلاب‌ها را مطرح می‌کند و «معتقد است در هر انقلاب، مراحل طی می‌شود و پس از فرازونشیب‌هایی، در نهایت اصول حاکم بر انقلاب به اصول حاکم بر پیش از انقلاب تغییر جهت می‌دهد و ارزش‌های انقلاب هم دچار تغییر شده و به ارزش‌های پیش از انقلاب بازمی‌گردد» (شبان‌نیا، ۱۳۹۱: ۱۲۴).

نظریه دیگری در مقابل نظریه ترمیدور مطرح است که پایداری و ناپایداری انقلاب را به نقش و اراده افراد جامعه نسبت می‌دهد و نظریه ترمیدور را به دلیل توجه نکردن به نقش ارادی انقلابیان، ناپذیرفتنی می‌داند. این نظریه که توسط اندیشمندان اسلامی مطرح شده است، اراده مردم در تحولات اجتماعی را به عنوان اثرگذارترین مؤلفه پایداری و ناپایداری انقلاب‌ها مطرح، و علاوه بر ادله فلسفی-کلامی در نقش اراده انسان‌ها در تاریخ، به آیه نورانی «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَهُ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد، ۱۳: ۱۱)، به عنوان مستند این دیدگاه تمسک می‌کند. به این نظریه در بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام توجه شده است. ایشان در نقد این نظریه گفتند: «انقلاب اسلامی از این تحلیل جامعه‌شناختی به کلی مستثناست. در انقلاب اسلامی، پادزهر فرود انقلاب در خود این انقلاب گذاشته شده است. بارها عرض کرده‌ایم که تجسم انقلاب در "جمهوری اسلامی" و در "قانون اساسی جمهوری اسلامی" است» (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۸۵/۳/۱۴). ایشان در بیانیه گام دوم نیز تصریح دارند:

انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و بارآده، همواره دارای انعطاف و آمادگی تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست و پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند (بیانیه گام دوم انقلاب).

بر همین اساس، «تنها انقلابی است که یک چله پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیر قابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده [است]» (همان).

نظریه دوم صحیح و منطبق با واقع است، اما برای در نظر گرفتن نقش مردم در پایداری

انقلاب‌ها لازم است اولاً ایدئولوژی^۱ مناسبی مطرح شود؛ ثانیاً قدرتی باشد که بتواند گفتمان‌سازی و مردم را بسیج کند؛ و ثالثاً بتواند مجموعه انقلاب را مدیریت کند (ر. ک. اکبرزاده، ۱۳۸۰). این سه مرحله اساسی بر عهده رهبر و مقتدای جامعه انقلابی است. اگر مراحل مذکور همگام با انقلاب مطرح باشد و رهبر آنها را به صورت مقتدرانه انجام دهد، نقش مردم در تحولات اجتماعی جامعه به سمت پایداری انقلاب سوق پیدا می‌کند: نخست، نظریه‌پردازی: بُعد اندیشگی ارائه‌دهنده دستگاه فکری جهت پیشرفت انقلاب و کاربرد اصول جهان‌بینی خاص درباره وضع موجود، برای گذر از موانع و مشکلات و توجه به وضع مطلوب است؛ دوم، بسیج‌گری: نقش کلیدی رهبر در بسیج توده‌ها و فرماندهی و سازمان‌دهی مردم در مسیر به‌کارگیری نظریات و اندیشه‌های انقلابی که با توجه به قدرت رهبر در تفهیم و عامه‌فهم‌سازی مبانی انقلاب و جمع بین سلايق صورت می‌گیرد؛ سوم، نهادسازی: معماری و مدیریت اجرایی جهت پیشرفت انقلاب با عملیاتی‌سازی آرمان‌های مطرح‌شده و هوشیاری و حفاظت از انقلاب در برابر دشمنان آن است.

دلیل انتخاب نظریه دوم به عنوان چهارچوب نظری این پژوهش، در نظر گرفتن اراده انسان‌ها در انتخاب مسیر زندگی‌شان است. جبری و حتمی بودن بازگشت انقلاب به دوران پساانقلاب مخالف اصل اراده انسان‌ها در انتخاب سرنوشتشان است.

نقش ایدئولوژیک رهبری
نقش بسیج‌کنندگی رهبری
نقش نهادسازی رهبری

پایداری و استمرار انقلاب اسلامی

تحلیل یافته‌ها

با مطالعه دستاوردهای چله اول انقلاب اسلامی ایران به‌ویژه در بیانیه گام دوم و با لحاظ الگوی تحلیلی منتخب در این مقاله، می‌توان گفت رهبری انقلاب اسلامی ایران در قالب نظریه ولایت فقیه با نقش‌های سه‌گانه ایدئولوژیک، بسیج‌کنندگی و نهادسازی و مدیریت، به تفصیل موجب پایداری انقلاب اسلامی ایران شده است:

۱. نقش فکری و نظریه‌پردازی رهبر در مسئله پایداری

الف) ارائه تقریری روزآمد از اندیشه اسلامی با حفظ اصالت دینی

باتوجه به مبنای شیعی انقلاب اسلامی ایران و پویایی فقه آن، روزآمدی و تقریر جدید از اندیشه اسلامی همراه با حفظ اصالت دینی یکی از شاخصه‌های اصلی آن است. انقلاب اسلامی ایران اجتهاد و استخراج احکام اسلامی و پرداختن به مسائل مستحدثه و درنهایت، تعیین احکام شرعی را پشتوانه نظری انقلاب می‌داند تا کارگزاران آن بر اساس احکام تعیین شده اسلامی عمل کنند. آنان با مبنای مذکور توانستند روزآمدی و تقریر جدیدی از اسلام را با حفظ اصالت آن به مردم ارائه دهند. روزآمدی باعث پاسخ‌گویی به نیازهای روز و تصمیم مصلحت انقلاب بر اساس اتفاقات روز جامعه است، که با اقدام به این مسئله، بر جذابیت انقلاب در میان انقلابیان افزوده می‌شود. رهبر این مسئله را به‌عنوان دستاوردی مهم در چله اول انقلاب بیان می‌فرماید:

انقلاب اسلامی همواره دارای انعطاف و آماده تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست. به نقدها حساسیت مثبت نشان می‌دهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرف‌های بی‌عمل می‌شمارد، اما به هیچ بهانه‌ای از ارزش‌هایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی‌گیرد. جمهوری اسلامی متحجر و در برابر پدیده‌ها و موقعیت‌های نوبه‌نو، فاقد احساس و ادراک نیست، اما به اصول خود به‌شدت پایبند و به مرزبندی‌های خود با رقیبان و دشمنان به‌شدت حساس است (بیانیه گام دوم انقلاب).

برای بیان مصادیقی از ارائه تقریری روزآمد از اندیشه اسلامی با حفظ اصالت دینی توسط رهبر انقلاب اسلامی ایران، می‌توان به اقدامات امام خمینی^ع اشاره کرد که پس از انقلاب اسلامی مدل جمهوری اسلامی را در برابر سایر مدل‌ها تثبیت، قانون اساسی مبتنی بر اندیشه اسلامی را مدیریت، و اسلام ناب را برابر اسلام لیبرال و سکولار و تحجر تبیین و به گفتمان تبدیل کردند. همچنین مقام معظم رهبری^ع نیز پس از زعامت رهبری، به تبیین شاخص‌های اسلام ناب و اسلام امریکایی، تبیین مردم‌سالاری دینی و تبیین مکتب سیاسی امام خمینی^ع پرداختند و اصول سیاست خارجی با عبارت حکمت، عزت و مصلحت را روزآمد کردند.

تحولات پس از پیروزی انقلاب فرانسه نشان می‌دهد که زمام انقلاب هر زمان در دست یکی از افراد و گروه‌های دارای تفسیر متفاوت قرار گرفت و در نتیجه، نه تنها اندیشه‌های انقلاب تثبیت و روزآمد نشد، بلکه جنگ قدرت میان آنان زمینه سرخوردگی مردم را فراهم ساخت و موجب حذف سریع آنها شد (ر. ک. ملکوتیان و تقوی مقدم، ۱۳۹۶: ۵۲۴).

در اخوان المسلمین، گرچه از لحاظ نظری معتقد به اجتهاد و روزآمدی در احکام اسلامی بودند و این مسئله یکی از تفاوت‌های آنان با فرقه‌های سلفی بود (ر. ک. امرایی، ۱۳۸۳: ۱۳۸)، به لحاظ عملی موفق به اجرای آن نشدند؛ به گونه‌ای که «الهیضبی، مرشد عام اخوان، هرچند از اجتهاد دفاع می‌کرد، اما برای عقل در استنباط شریعت جایگاهی قائل نیست. معتقد است عقل نمی‌تواند اوامر و نواهی شریعت را تحلیل کند. لذا، قائل شدن به حرمت یا حلیت چیزی با سند عقلی، دروغ نسبت به خداست» (فوزی و پایاب، ۱۳۹۰: ۸۴). این نوع حرکت‌ها و اعمال جنبش‌های اسلامی معاصر باعث شد که برخلاف انقلاب اسلامی ایران، حکومتی روزآمد و پویا نداشته باشند.

ب) نهادینه کردن اندیشه ولایت و امامت

از جمله نقش‌های مؤثر رهبر در پایداری انقلاب، انتخاب نوع حکومت پس از انقلاب است. ماهیت و ایدئولوژی‌ای که نیروهای انقلابی را بسیج کرده و نهایتاً منجر به وقوع انقلاب شده، در تعیین حکومت بسیار مؤثر است. انقلاب اسلامی ایران به دنبال تشکیل حکومت بر مبنای اندیشه اسلامی شیعه بود. شیعه معتقد است پس از نبی مکرم اسلام ﷺ امامت و ولایت جامعه برعهده ائمه معصومین است. بر اساس روایات واردشده، زمانی که امام معصوم بنا به مصالحی در پشت پرده غیبت باشد، اولی‌ترین فرد به این مقام، ولی فقیه است. رهبر انقلاب اسلامی با تکیه بر روایات و مستندات موجود مانند روایت «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقْعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا، فَانْتَهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ، وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ» (شیخ صدوق، ۱۳۸۲، ج ۱: ۴۸۴)، بحث نیابت از امام معصوم را مطرح کردند و نظام جمهوری اسلامی ایران را با اندیشه ولایت فقیه بنا نهادند.

معمار کبیر انقلاب اسلامی ایران ابعاد گوناگون اندیشه ولایت فقیه را در قانون اساسی و

نقش رهبر در پایداری انقلاب اسلامی ایران با تأکید بر بیانیه... -رضا کفیلی (۳۳۲-۳۰۴) / ۳۱۷

ساختار سیاسی نهادینه کردند و تا پایان عمرشان به تبیین ولایت فقیه پرداختند و این مسئله را در همه عرصه‌ها تجلی بخشیدند. همچنین، رهبر معظم انقلاب با شرح و بسط معنای ولایت فقیه، آن را در عرصه‌های مختلف جامعه زنده و پویا نگه داشتند. ایشان ولایت فقیه را استمرار ولایت الهی (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۶۶/۱۲/۲۷)، مترقی‌ترین تز حکومتی (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۶۵/۴/۲۹)، حکومت دین‌شناسان (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۶۱/۱۲/۷)، حکومت مردمی اسلامی (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۶۱/۱/۸) و... تعریف کرده‌اند.

رهبر معظم این واقعیت را در بیانیه گام دوم نشان دادند که دستاوردهای چله اول انقلاب با محوریت نظریه ولایت فقیه بوده و با اداره مناسب کشور توسط ولی فقیه به دست آمده است. این مسئله حاکی از قوت نظری انقلاب اسلامی ایران است. نظریه ولایت فقیه از پیش از انقلاب تا چله دوم آن توانسته است با پاسخ‌گویی جامع به نیازها در راستای تحقق اهداف انقلاب حرکت و آن را به پایدارترین انقلاب در مقایسه با انقلاب‌های دیگر تبدیل کند.

پ) استقامت بر آرمان‌ها

استقامت بر اصول و آرمان‌ها یکی دیگر از نقش‌های اساسی رهبران انقلاب اسلامی ایران در پایداری آن است. این مسئله باعث پویایی انقلاب و تقویت انگیزه انقلابیان می‌شود، اما انحراف از آرمان‌ها و عدم استقامت باعث از بین رفتن اعتماد و انگیزه انقلابیان و درنهایت منجر به فروپاشی انقلاب می‌شود. انقلاب اسلامی ایران، تنها انقلابی است که یک چله را بدون انحراف و تغییر در اهداف، اصول و آرمان‌هایش پشت سر گذاشته و وارد چله دوم شده است.

امام خمینی علیه السلام به‌عنوان رهبر انقلاب اسلامی در دهه نخست پیروزی انقلاب، بر حفظ آرمان‌های انقلاب پافشاری بسیاری داشتند و با اقدامات تضعیف‌کننده آرمان‌های انقلاب اسلامی به شدت برخورد می‌کردند. این مسئله در سیره و کلام ایشان کاملاً مشهود است. یکی از آن موارد برخورد شجاعانه ایشان با توطئه سلمان رشدی و صدور حکم تاریخی

ارتداد این شخص و اعدامش به دست مردم بود. همچنین، ایشان در خصوص سازش با دشمنان، به طور مقتدرانه می‌فرمایند: «جمهوری اسلامی ایران نباید تحت هیچ شرایطی از اصول و آرمان‌های مقدس و الهی خود دست بردارد» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵ ج ۲۵: ۱۵۵).

بیانیه گام دوم این انقلاب را بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید معرفی می‌کند: «انقلاب اسلامی، تنها انقلابی است که یک چلّه پرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش، پشت سر نهاده و تنها انقلاب صیانت‌کننده از کرامت خود و اصالت شعارهایش در برابر همهٔ وسوسه‌های به ظاهر مقاومت‌ناپذیر است» (بیانیه گام دوم انقلاب). اما سایر انقلاب‌های ناپایدار مانند اخوان المسلمین، از اصول و آرمان‌هایی که توسط رهبران آن یعنی حسن البنا و سید قطب پایه‌ریزی شده بود منحرف شدند و بنابراین، حمایت انقلابیان را از دست دادند. از جمله آنها انحراف از ایجاد حکومت اسلامی، «انحراف از مخالفت با اسرائیل و انحراف از حمایت فلسطین» (مصباح‌زاده، ۱۳۹۵: ۷۰) است.

ت) ایجاد خودباوری

یکی از عوامل خودباختگی ملت ایران در زمان پیش از انقلاب اسلامی القای ناتوانی در انجام امور بر آنان بود؛ به‌گونه‌ای که باعث شده بود فرهنگ غربی بر ایران مسلط شود و امور کشور را برعهده گیرد. اما رهبر انقلاب اسلامی با طرح مسئله خودباوری، امید را به ملت بازگرداند و زمینه انقلاب اسلامی را به‌وجود آورد. امام خمینی علیه السلام در این باره فرموده‌اند:

باید عرض کنم که تا ملت شرق خودش نفهمد این معنا را که خودش هم یک موجودی است، خودش هم یک ملتی است، شرق هم یک جایی است، نمی‌تواند استقلال خودش را به‌دست بیاورد. ... مکتب بزرگ اسلام که رأس همهٔ مکاتب است و در شرق است، شرق او را گم کرده است. تا این مکتب را پیدا نکنند شرق و نفهد مکتبش چه است و خودش چه است و خودش هم یک موجودی است و کشورش هم یک کشوری است، نمی‌تواند مقابله کند با غرب (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۱: ۲۳۵).

رهبران ایران همیشه به خودباوری تأکید داشته و خودباختگی را منشأ همهٔ گرفتاری‌های

کشور خوانده و با ایجاد امید و انگیزه، شعار «ما می‌توانیم» را جای‌گزین ناامیدی ملت ایران کرده‌اند. با عملی کردن این شعار در سطح جامعه، ایران را به سمت پیشرفت‌های بسیار بزرگی در جهان پیش برده و موجب بالندگی و پایداری آن شده‌اند. رهبر در بیانیه گام دوم انقلاب، به آثار مثبت خودباوری اشاره می‌فرماید: «مدیریت‌های جهادی الهام‌گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل "ما می‌توانیم" که امام بزرگوار به همه ما آموخت، ایران را به عزت و پیشرفت در همه عرصه‌ها رسانید» (بیانیه گام دوم انقلاب).

ث) نهادینه کردن اندیشه مقاومت

یکی از مقوله‌هایی که رهبران انقلاب اسلامی ایران بر اساس آموزه‌های دینی آن را به جهان اسلام عرضه کردند، فرهنگ مقاومت و استقامت در برابر مستکبران است. مقاومت در برابر دشمنان درسی بود که امام خمینی^ع از زمان بنیان‌گذاری انقلاب بابرکت اسلامی، آن را به مردم آموختند. انقلاب اسلامی ایران با نهایت اقتدار و عزت، تنها راه علاج کشور را مقاومت در مقابل مستکبران و ظالمان می‌داند؛ به گونه‌ای که رهبر معظم انقلاب آن را «دولت مقاومت» معرفی می‌کنند: «ما امروز دولت مقاومتیم؛ یعنی تسلیم زورگویی نشدن، تسلیم زیاده‌طلبی نشدن، در موضع اقتدار ایستادن. دولت مقاومت در موضع اقتدار قرار می‌گیرد» (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۹۶/۲/۲۰).

انقلاب اسلامی ایران پس از گذراندن چهل سال تجربه ارزشمند، توانسته است با همراهی ملت‌های آزاده جهان، مقاومت اسلامی را در مقابل مستکبران تقویت کند. این مسئله با پیدایش گروه دست‌نشانده مستکبران جهان (داعش) در کشورهای همسایه نمود بیشتری داشت، که محور مقاومت در منطقه به فرماندهی سید و سالار شهیدان مقاومت، سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی، توانست آنان را شکست دهد و مردم و دولت‌های گرفتار در چنگال آنان را برهاند. در بیانیه گام دوم انقلاب، مقاومت در برابر مستکبران جهان به‌عنوان یکی از برکات بزرگ انقلاب اسلامی معرفی شده است:

نماد پرابهت و باشکوه و افتخارآمیز ایستادگی در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان امریکای جهان‌خوار و جنایت‌کار، روزبه‌روز برجسته‌تر شد. در تمام

این چهل سال، تسلیم‌ناپذیری و صیانت و پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن و گردن برافراشته آن در مقابل دولت‌های متکبر و مستکبر، خصوصیت شناخته‌شده ایران و ایرانی به‌ویژه جوانان این مرزوبوم به‌شمار می‌رفته است. قدرت‌های انحصارگر جهان که همواره حیات خود را در دست‌اندازی به استقلال دیگر کشورها و پای‌مال کردن منافع حیاتی آنها برای مقاصد شوم خود دانسته‌اند، در برابر ایران اسلامی و انقلابی، اعتراف به ناتوانی کردند (بیانیه گام دوم انقلاب).

جنبش‌های اسلامی معاصر نتوانستند در مقابل مستکبران مقاومت کنند؛ به‌گونه‌ای که کوین برت،^۱ اسلام‌شناس امریکایی، می‌گوید: «آیت‌الله خمینی رحمته‌الله‌علیه دریافت که تمامی مسلمانان برای حمایت از مستضعفین جهان در برابر ظالمان جهان یک وظیفه اخلاقی دارند. مقاومت در برابر امپریالیسم، آپارتاید و صهیونیسم نیز از وظایف مسلمانان است. اخوان‌المسلمین باید از تسلیم و تعظیم در برابر حاکمان ظالم غربی دست بکشند و به نبرد جهانی در برابر استعمار پردازد» (اشرفی، ۱۳۹۴: ۱۰۳).

ج) افزایش معنویت و اخلاق

افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای جامعه از شاخص‌های انقلاب اسلامی ایران است که برکات فراوانی را در جامعه به‌وجود آورده است. گرچه دشمنان با امکانات مختلفی به دنبال رواج فرهنگ غربی در ایران اسلامی هستند، مدیریت رهبران انقلاب اسلامی ایران در ایجاد رویکرد اسلامی و دینی، باعث شد که فطرت‌های اسلامی مردم را دریابند و معنویت و اخلاق را در جامعه افزایش دهند. این مقوله را می‌توان در حضور چشمگیر و میلیونی مردم در مراسم دینی، مذهبی و انقلابی و حضور جوانان در عرصه‌های مختلف دینی و فرهنگی از جمله شجره طیبه بسیج دید. افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در جامعه نیز به‌عنوان یکی از معجزات انقلاب اسلامی ایران در بیانیه گام دوم تبیین شده است:

انقلاب اسلامی عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه به‌گونه‌ای چشمگیر افزایش داد. این پدیده مبارک را رفتار و منش حضرت امام خمینی رحمته‌الله‌علیه در طول دوران مبارزه و

1. Kevin Barrit.

پس از پیروزی انقلاب، بیش از هر چیز رواج داد. آن انسان معنوی و عارف و وارسته از پیرایه‌های مادی، در رأس کشوری قرار گرفت که مایه‌های ایمان مردمش بسی ریشه‌دار و عمیق بود. ... مساجد و فضاهای دینی رونقی بی سابقه گرفت. صف نوبت برای اعتکاف از هزاران جوان و استاد و دانشجو و زن و مرد و صف نوبت برای اردوهای جهادی و جهاد سازندگی و بسیج سازندگی از هزاران جوان داوطلب و فداکار آکنده شد. نماز و حج و روزه‌داری و پیاده‌روی زیارت و مراسم گوناگون دینی و انفاقات و صدقات واجب و مستحب در همه جا به ویژه میان جوانان رونق یافت و تا امروز، روزبه‌روز بیشتر و باکیفیت‌تر شده است (بیانیه گام دوم انقلاب).

در این باره دکتر فوسبری، کشیش و رئیس دانشگاه‌های کاتولیک امریکای لاتین، می‌گوید: امام خمینی علیه السلام با استفاده از ریشه‌های فرهنگی اسلامی موجب حرکت تاریخی ملت خویش گشت. وی توانست با یک انقلاب مذهبی سیاسی، حرکت عظیمی در کشورهای اسلامی به وجود آورد. او راهی را به روی ما گشود که مهم‌ترین پیام آن امکان بازیابی ماهیت معنوی و قدرت الهی و ایمان به خدا بوده است. امام با بازگشایی این راه، وجدان معنوی غرب را شدیداً به لرزه درآورد؛ هرچند رسانه‌های گروهی غرب سعی در پوشاندن و مخفی ساختن آن داشته باشند (سپهری، ۱۳۸۹: ۹۲).

۲. نقش بسیج‌کنندگی رهبر در مسئله پایداری

دومین کارویژه رهبر برای پایداری انقلاب، گفتمان‌شناسی (بسیج‌کنندگی و سازمان‌دهی مردم) است. رهبری موفق محسوب می‌شود که پس از طرح ایدئولوژی، بتواند فضای جامعه را پویا و فعال نگه دارد، اصول و مبانی فکری انقلاب را به مردم بشناساند و آنان را به سمت وفاداری به اهداف و آرمان‌های انقلاب و حمایت از آن سوق دهد: «آنچه در این مرحله مهم است برانگیختن مردم، هدایت و کنترل احساسات، عواطف و هیجانات است؛ یعنی اینکه هم شور ایجاد کند و هم کنترل شور داشته باشد» (اکبرزاده، ۱۳۸۰: ۲۴۰). نکات بسیار مهمی در خصوص ایفای نقش بسیج‌کنندگی رهبران انقلاب اسلامی ایران در بیانیه گام دوم مشاهده می‌شود که باعث پایداری انقلاب اسلامی ایران شده است:

الف) مردمی بودن و مردمی ماندن

یکی دیگر از ویژگی‌های بارز رهبر انقلاب ایران جلب اعتماد همه مردم است. رهبران این انقلاب به مردمی بودن انقلاب ایمان راسخ دارند و بنابراین، نقش مردم در رسیدن به اهداف و آرمان‌های انقلاب هر روز بیشتر نمایان می‌شود. با توجه به پررنگ شدن نقش مردم در انقلاب و پس از آن، رهبر دارای حمایت همه‌جانبه مردم و انقلابیان بوده است، که آیت‌الله خامنه‌ای دامت‌السلامه این مسئله را در بیانیه گام دوم به‌عنوان یکی از برکات بزرگ انقلاب اسلامی ایران معرفی کرده‌اند:

انقلاب اسلامی در گام نخست، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم‌سالاری تبدیل کرد و عنصر اراده ملی را که جان‌مایه پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است در کانون مدیریت کشور وارد کرد. ... مشارکت مردمی را در مسائل سیاسی مانند انتخابات، مقابله با فتنه‌های داخلی، حضور در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی به‌اوج رسانید (بیانیه گام دوم انقلاب).

در مقایسه انقلاب اسلامی با سایر انقلاب‌ها مشاهده می‌شود که آنان نتوانستند آن‌طور که باید، مردمی باشند. برخی انقلاب‌ها از سوی همه مردم نبود، بلکه طبقه خاصی از جامعه خواهان انقلاب بودند؛ مانند انقلاب روسیه که توسط کارگران به‌وقوع پیوست؛ یا در برخی دیگر مردم نقش آن‌چنانی نداشتند و رژیم سابق به دلیل ضعف شدید اقتصادی شکست خورد؛ مانند انقلاب فرانسه؛ یا جنبش اخوان المسلمین که امور خود را در آغاز به‌صورت عمومی، مردمی و غیرحزبی شروع کرد، اما «پس از گذشت مدتی، تبدیل به یکی از حزب‌های سیاسی موجود در جامعه شد» (درویشی و همکاران، ۱۳۹۴: ۹). «معرفی جماعت به‌عنوان تشکیلات سیاسی یعنی یک حزب سیاسی با اصطلاحات دهه سی، بعد از کنفرانس پنجم صورت گرفت؛ زیرا اخوان المسلمین از گروهی منفعل و بی‌طرف در قبال تشکیلات سیاسی به یکی از تشکیلات تغییر موضع داد» (محمد، ۱۳۸۴: ۴۷) و پس از آن، به جای گسترش تعاملات با مردم، درصدد تعامل با دولت‌ها، حکومت‌ها و جلب حمایت ایالات متحده آمریکا بود، که حمایت‌های وسیع و گسترده مردمی را از دست داد و درنهایت منحل شد.

ب) تأکید بر وحدت

از لازمه‌های موفقیت در کارهای جمعی، ایجاد وحدت در بین اعضای آن است. انقلاب یکی از کارهای حساس جمعی است، که لازم است رهبر آن را بر مدار وحدت انقلابیان اداره کند تا در رسیدن به اهداف و آرمان‌های انقلاب خدشه‌ای به وجود نیاید. وحدت در اندیشه امام خمینی علیه السلام و رهبر معظم انقلاب علیه السلام، هم محدثه و هم مبقیه انقلاب اسلامی است: «بی‌تردید رمز بقای انقلاب اسلامی همان رمز پیروزی است، و رمز پیروزی را ملت می‌داند و نسل‌های آینده در تاریخ خواهند خواند که دو رکن اصلی آن: انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی؛ و اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۴۰۴).

رهبران انقلاب اسلامی ایران همیشه به وحدت امت اسلام تأکید داشته و آرمان‌های انقلاب را بر اساس اتحاد و یک‌پارچگی امت اسلامی پیش برده‌اند. نگاه آنان به وحدت، نگاه محدود جغرافیایی نبوده است، بلکه همیشه به دنبال ایجاد وحدت اسلامی در جهان بوده‌اند:

باتوجه به مشترکات بسیار در میان شیعیان و اهل تسنن در اصول و فروع دین و اختلافات در برخی از فروع دینی، جهان اسلام را به مثابه یک نظام واحد، یک پارچه و منسجم تلقی می‌کند که دارای خدای مشترک و واحد، پیامبر مشترک، اعتقاد به معاد و روز جزا، قبله واحد و... می‌باشند. برخی از اختلافات اعتقادی و فکری نمی‌تواند آنان را از رسیدن به وحدت استراتژیک سیاسی منع نماید (فولادی، ۱۳۸۷: ۸۲).

در زمان فعلی نیز از مقوله‌های بسیار مهمی که از طرف رهبر انقلاب اسلامی انجام شد و اولاً بر آثار و برکات اتحاد و انسجام امت و ثانیاً بر ماهیتی آمیخته با وحدت در ادامه این انقلاب تأکید کرد، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بود.

۳. نقش مدیریت و معماری رهبر در مسئله پایداری

سومین کارویژه رهبر برای پایداری انقلاب، نهادسازی (معماری و مدیریت جامعه) است. هدایت حرکت انقلابیان و محافظت از آرمان‌های انقلاب از نقش‌های اساسی رهبر در

پایداری انقلاب است. هر انقلابی برای پیشرفت، رسیدن به آرمان‌ها و محافظت از نفوذ دشمنان، به صورت تدریجی و گام‌به‌گام حرکت می‌کند و از موانع پیش رو می‌گذرد. این امر مهم حرکت به سمت پیشرفت و پایداری و گذر از موانع تحقق نخواهد یافت، مگر اینکه رهبر آن انقلاب به صورت هدفمندانه اقدام به نهادسازی و شبکه‌سازی در جامعه کند و ضمانتی برای پایداری انقلاب در جامعه فراهم سازد.

الف) مدیریت فرایندی موفق

یکی از لازمه‌های موفقیت هر انقلابی، وجود رهبر جامع‌الشرایط برای اداره آن انقلاب و پیشبرد کلی آن است. رهبر از ارکان حیاتی برای پیشبرد اهداف هر جنبشی محسوب می‌شود؛ چراکه با استفاده از تاریخ گذشته و شناخت کامل زمان حال، ضرورت‌ها را تشخیص می‌دهد و بر اساس آنها راهکارهایی را در نظر می‌گیرد، خطرهای و تهدیدهای جنبش را شناسایی و پیش‌بینی می‌کند و شجاعانه در مقابل آنها می‌ایستد: «نکته مهم نهفته در رهبری، سازمان‌دهی است که همچون یک حرفه و هنر است. این امر مجموعه‌ای از اقدامات و مهارت‌هاست: از تشویق دیگران به یک ایده تا ایجاد یک ائتلاف فراگیر و اعلام دستورالعمل‌های قاطع» (بیاتی، ۱۳۸۲: ۹۵). بنابراین، وقتی جنبش بدون وجود رهبر با این شرایط برخورد پیش برود، محکوم به شکست است. پیشبرد اهداف و رسیدن به آرمان‌های جنبش‌های اسلامی منوط به وجود رهبری ذی‌صلاح است، که در صورت نبود چنین رهبری، جنبش رو به افول می‌رود و ناکارآمد محسوب می‌شود.

از عوامل منحصر به فرد پایداری انقلاب اسلامی ایران در جهان، داشتن رهبری مدیر، مدبر، آگاه، زمان‌شناس، مردمی، فقیه، دانشمند، دل‌سوز امت و غیرحزبی است، که «اگر نبود قدرت عظیم ایمان و انگیزه این ملت و رهبری آسمانی و تأییدشده امام عظیم‌الشأن ما، تاب آوردن در برابر آن‌همه خصومت و شقاوت و توطئه و خباثت، امکان‌پذیر نمی‌شد» (بیانیه گام دوم انقلاب).

دلیل اصلی ناکامی جنبش‌های معاصر نبود رهبر جامع‌الشرایط است. دکتر کوین برت، استاد دانشگاه سانفرانسیسکو، در مقاله‌ای می‌گوید: «اخوان المسلمین برای جبران شکست

خود باید کارهای آیت‌الله خمینی را مطالعه کند. لازم است اخوان المسلمین از فرقه‌گرایی دست برداشته و مانند آیت‌الله خمینی بر وحدت اسلامی تأکید کند» (اشرفی، ۱۳۹۴: ۱۰۲).

ب) مسدود کردن مجاری نفوذ دشمنان

معمولاً با وقوع انقلاب، بسیاری از کشورها و افراد مختلف که منافع اقتصادی یا سیاسی داشته‌اند متضرر می‌شوند و بنابراین، همیشه درصدد نفوذ و تغییر در استراتژیک انقلاب هستند. دشمنان انقلاب اسلامی ایران درصدد نفوذ به مبانی انقلاب و فروپاشی آن بودند، اما رهبران این انقلاب سعی داشتند مجاری نفوذ بیگانگان را مسدود کنند تا انقلاب در رسیدن به اهداف و آرمان‌هایش متمرکز شود. یکی از نمونه‌های بارز آن تسخیر لانه جاسوسی بود که امام خمینی علیه‌السلام از آن به‌عنوان انقلاب دوم یاد کردند و رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام نیز در این باره فرمودند: «مردم در سیزده آبان، امریکا را از ایران راندند. لذا، امام فرمود: انقلابی بزرگ‌تر از انقلاب اول... . پرچم تسلط ظالمانه متکبرانه امریکا از بام ایران پایین کشیده شد» (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۹۰/۸/۱۱).

رهبران ایران اسلامی در مسئله مسدود کردن مجاری نفوذ دشمنان آن‌چنان مقتدر عمل کردند که حتی گستره آن را به سمت مرزهای خارجی بردند و مانع نفوذ دشمنان در منطقه خاورمیانه شدند. این مسئله نیز مانند مسائل مذکور، از نقش‌های مهم رهبر در پایداری انقلاب است. امام خامنه‌ای علیه‌السلام در این خصوص می‌فرمایند:

ایران مقتدر امروز هم مانند آغاز انقلاب با چالش‌های مستکبران روبه‌روست، اما با تفاوتی کاملاً معنادار. اگر آن روز چالش با امریکا بر سر کوتاه کردن دست عمال بیگانه یا تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی در تهران یا رسوا کردن لانه جاسوسی بود، امروز چالش بر سر حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن بساط نفوذ نامشروع امریکا از منطقه غرب آسیا و حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمین‌های اشغالی و دفاع از پرچم برافراشته حزب‌الله و مقاومت در سراسر این منطقه است (بیانیه گام دوم انقلاب).

یکی از جنبش‌های اسلامی که مسئله مسدود کردن مجاری نفوذ دشمنان را جدی نگرفت، اخوان المسلمین مصر بود. آنان پس از انقلاب، از طرفی، با دولت‌های خودکامه مصری و عربی و با گروه‌های کمونیستی و غیرمذهبی ائتلاف کردند و از طرفی، به دنبال ایجاد ارتباط با قدرت‌های بزرگ مانند ایالات متحده آمریکا بودند، که این امور نهایتاً منجر به نفوذ دشمنان در انقلاب شد. در رفت‌وآمدهایی که به مصر داشتند، اولاً «تصورشان از جنبش اخوان نسبت به قبل فرق کرد» (مصباح‌زاده، ۱۳۹۵: ۶۸)؛ ثانیاً قوت‌ها و ضعف‌های اخوان را تشخیص دادند و بر همین اساس، برای انحلال آن برنامه‌ریزی کردند؛ ثالثاً «این قدرت‌ها با خواست ایجاد نظم سیاسی و امنیتی مطلوب خود در خاورمیانه با رژیم‌های اقتدارگرای منطقه وارد تعامل و همکاری سیاسی و امنیتی شدند و با عدم توجه به مشکلات و چالش‌های درونی کشورها و حمایت از رژیم‌های اقتدارگرا در مقابل جوامع و گروه‌های مردمی، به تعمیق بحران‌ها و چالش‌های درونی این رژیم‌ها کمک نمودند» (واعظی، ۱۳۹۱: ۳۰۳).

پ) اتکا به توانایی داخلی

انقلاب اسلامی ایران توانست با حمایت از جوانان و اتکا به توانایی داخلی، به بسیاری از ابزارهای پیشرفته دست یابد. از شاخص‌های انقلاب اسلامی که در بیانیه گام دوم انقلاب به آن اشاره شده، افزایش اعتمادبه‌نفس مردم و به باور رساندن ایران و ایرانی به مسئله «ما می‌توانیم» است. با توجه به تحریم ایران از طرف مستکبران جهان، ایران توانست با توانایی‌های داخلی خود بسیاری از نیازهایش را برطرف کند و به فناوری‌های روز دنیا دست یابد. توجه به این مسئله به‌عنوان یکی از برکات بزرگ انقلاب اسلامی ایران و توجه نکردن به آن به‌عنوان چالش انقلاب اسلامی ایران در بیانیه گام دوم ذکر شده است:

انقلاب اسلامی عنصر اراده ملی را که جان‌مایه پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است در کانون مدیریت کشور وارد کرد. آن‌گاه جوانان را میدان‌دار اصلی حوادث و وارد عرصه مدیریت کرد؛ روحیه و باور «ما می‌توانیم» را به همگان منتقل کرد؛ به برکت تحریم دشمنان، اتکا به توانایی داخلی را به همه آموخت و این منشأ برکات بزرگ شد. ... نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی، استفاده اندک از ظرفیت نیروی انسانی

کشور، بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن، و سرانجام عدم ثبات سیاست‌های اجرایی اقتصاد و عدم رعایت اولویت‌ها و وجود هزینه‌های زاید و حتی مسرفانه در بخش‌هایی از دستگاه‌های حکومتی است. نتیجه اینها مشکلات زندگی مردم از قبیل بیکاری جوان‌ها، فقر درآمدی در طبقه ضعیف و امثال آن است (بیانیه گام دوم انقلاب).

ت) گسترش عدالت

عدالت از مسائل فطری انسانی و یکی از اصول مذهب تشیع و به معنای «نفی هرگونه تبعیض، رعایت حقوق دیگران، موزون بودن و رعایت استحقاق‌ها» (مطهری، ۱۳۹۸: ۱۲۲) است. این مسئله یکی از ارکان ارزش‌های اسلامی و از موضوعات مهم علوم اجتماعی در جهان است، که انقلاب اسلامی ایران آن را هدف اصلی خود قرار داده و در چهل سال گذشته در این مسیر گام‌های مؤثری برداشته است. امام خمینی علیه السلام همواره به مسئله عدالت تأکید داشتند و وجود آن در جامعه را شرط رفع خسارت‌های رژیم شاهنشاهی می‌دانستند: «تنها با استقرار حکومت عدل اسلامی است که می‌توان خرابی‌های عظیم فرهنگی و اقتصادی و کشاورزی را که رژیم فاسد شاه به وجود آورده است جبران نموده و نوسازی مملکت را به نفع طبقات زحمتکش و مستضعف آغاز نمود» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۴: ۴۲۷).

رهبر معظم علیه السلام در بیانیه گام دوم انقلاب، گسترش عدالت را از برکات انقلاب اسلامی دانسته و برای چله دوم انقلاب تقویت آن و مبارزه با فساد را مطالبه کرده‌اند:

انقلاب اسلامی ایران کفه عدالت را در تقسیم امکانات عمومی کشور سنگین کرد. نارضایتی این حقیر از کارکرد عدالت در کشور به دلیل آنکه این ارزش والا باید گوهر بی‌همتا بر تارک نظام جمهوری اسلامی باشد و هنوز نیست، نباید به این معنا گرفته شود که برای استقرار عدالت کار انجام نگرفته است. واقعیت آن است که دستاوردهای مبارزه با بی‌عدالتی در این چهار دهه، با هیچ دوره دیگر گذشته قابل مقایسه نیست. در رژیم طاغوت بیشترین خدمات و درآمدهای کشور در اختیار گروه کوچکی از پایتخت‌نشینان یا همسانان آنان در برخی دیگر از نقاط کشور بود. ... البته عدالت مورد انتظار در جمهوری اسلامی که مایل است پیرو حکومت علوی شناخته شود، بسی برتر از اینهاست (بیانیه گام دوم انقلاب).

در مجموع می‌توان موارد مطرح‌شده در خصوص نقش رهبر در پایداری انقلاب اسلامی

با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب را در قالب جدول بررسی کرد:

شاخصه‌های پایداری مطرح‌شده در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ایران	نقش رهبر در پایداری انقلاب اسلامی ایران
اصالت، روزآمدی و تقریر جدید از اندیشه اسلام	نقش ایدئولوژیک رهبر در پایداری انقلاب اسلامی ایران
اندیشه ولایت فقیه	
استقامت بر آرمان‌ها	
بداعت و شگفت‌انگیزی	
اندیشه مقاومت	
افزایش معنویت و اخلاق	نقش بسیج‌کنندگی رهبر در پایداری انقلاب اسلامی ایران
مردمی بودن و مردمی ماندن	
تأکید بر وحدت امت اسلام	
مدیریت فرایندی موفق	نقش نهادسازی رهبر در پایداری انقلاب اسلامی ایران
مسدود کردن مجاری نفوذ دشمنان	
اتکا به توانایی داخلی	
گسترش عدالت	

یافته‌های اشاره‌شده در جدول، توضیح‌دهنده این بیان رهبر معظم انقلاب است که «در انقلاب اسلامی پادزهر فرود انقلاب، در خود این انقلاب گذاشته شده است» (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۴/۳/۱۳۸۵). پادزهر انقلاب همان چیزی است که ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب فرمودند: «برای همه چیز می‌توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثناست. آنها هرگز بی مصرف و بی فایده نخواهند شد؛ زیرا فطرت بشر در همه عصرها با آن سرشته است» (بیانیه گام دوم انقلاب). ولایت فقیه به عنوان ایده کلیدی انقلاب اسلامی و ولی فقیه به عنوان رهبر انقلاب پادزهری است که در خود انقلاب اسلامی توسط معمار انقلاب گذاشته شد، و در این راستا نقشی که بنیان‌گذار انقلاب برای ولی امر یا رهبر بر اساس اندیشه‌های ناب اسلامی قائل شده، حافظ استمرار شعارهای انقلاب و در نتیجه پایداری انقلاب اسلامی است.

نتیجه‌گیری

نظریه‌های گوناگونی که در پایداری و ناپایداری انقلاب‌ها مطرح شده، نظریه‌ی اراده‌ی مؤثر مردم و نقش مهم رهبر انقلاب در تحولات اجتماعی در مقابل محتوم و جبری بودن بازگشت انقلاب به زمان پیش از انقلاب (نظریه‌ی ترمیدور)، در این پژوهش انتخاب و بررسی شده است. مقوله‌های مؤثر در پایداری هر انقلابی وابسته به عملکرد رهبر آن است. نقش رهبر در هر انقلابی نقش کلیدی است؛ چراکه انقلابیان با برنامه‌ی رهبران خود پیشروی می‌کنند.

رهبران انقلاب‌ها سه کارویژه‌ی اساسی دارند: ایدئولوژی، بسیجگری و نهادسازی. انقلاب اسلامی پایدارترین انقلاب در بین انقلاب‌های معاصر است که نحوه‌ی رهبری آن در پایداری انقلاب بیش از هر عامل دیگری مطرح است. این انقلاب با تأسیس حکومت اسلامی، نظریه‌ی ولایت فقیه را به‌عنوان استمرار امامت ائمه برای رهبر جامعه ارائه کرد و آن را مهم‌تر از مسائل عبادی دانست.

بسیاری از انقلاب‌های مشابه به انقلاب اسلامی ایران مانند انقلاب فرانسه، انقلاب روسیه و اخوان المسلمین مصر به‌وقوع پیوستند، اما در پی نبود رهبر مناسب، به نتیجه نرسیدند و منحل شدند؛ اما رهبر انقلاب اسلامی ایران توانست چله‌ی اول آن را با افتخارات و دستاوردهای عظیم پشت سر گذارد و آن را با برنامه‌ای منسجم وارد چله‌ی دوم کند. مقام معظم رهبری علیه‌السلام در خصوص استمرار انقلاب تصریح دارند: «اگر آنچه که واقع شد، ادامه پیدا نکند و تعمیق نشود و تعمیم نیابد، ... این انقلاب قطعاً موفق نبوده و نیست» (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۶۹/۱۲/۱).

در همین راستا، هنگام آغاز چله‌ی دوم بیانیه‌ای را که مشتمل بر دستاوردهای گذشته و برنامه‌های آینده‌ی چله‌ی دوم انقلاب بود صادر کردند. تعدادی از شاخص‌ها و دستاوردهای مهم انقلاب که در آن بیانیه ذکر و باعث پایداری این انقلاب شده، مرهون نحوه‌ی رهبری انقلاب است.

در مقاله حاضر تبیین شد که رهبری انقلاب اسلامی با شاخص‌ها و دستاوردهای مذکور در بیانیه‌ی گام دوم، با ایفای سه نقش اساسی (۱) ایدئولوژیک به سبب نهادینه کردن اندیشه‌ی ولایت، اصالت، ارائه‌ی تقریری روزآمد از اندیشه‌ی اسلامی، استقامت بر آرمان‌ها، ایجاد

خودباوری، نهادینه کردن اندیشه مقاومت و افزایش معنویت و اخلاق، (۲) بسیجگری به سبب مردمی بودن و مردمی ماندن و تأکید بر وحدت و (۳) نهادسازی به سبب مدیریت فرایندی، مسدود کردن مجاری نفوذ دشمنان، اتکا به توانایی داخلی و گسترش عدالت، در پایداری این انقلاب نقش بسزایی ایفا کرده است.

کتابنامه

- قرآن کریم، ترجمه الهی قمشاه ای
اشرفی و سلامت، اکبر، طیبه (۱۳۹۴). «رهبری و حفظ انقلاب در ایران و مصر»، مجله جستارهای سیاسی معاصر، س ۶، ش ۲.
اکبرزاده، فریدون (۱۳۸۰). نقش رهبری در نهضت مشروطه، ملی نفت و انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد ملی.
امریایی، حمزه (۱۳۸۳). انقلاب اسلامی و جنبش‌های اسلامی معاصر، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
امینی، سیدجواد و مبینی، محمد (۱۳۹۸). تبیین مفهوم راهبردی نظریه نظام انقلابی در جمهوری اسلامی ایران، شماره ۳۰ فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی بشیریه، حسین (۱۳۸۴). انقلاب و بسیج سیاسی، تهران، دانشگاه تهران.
جمعی از نویسندگان (۱۳۹۷). انقلاب ۴۰ ساله، قم، انتشارات بوستان کتاب.
جانسون، چالمرز (۱۳۶۳). تحول انقلابی، ترجمه حمید الیاسی، تهران، امیرکبیر.
حشمت‌زاده، محمدباقر (۱۳۷۸). چارچوبی برای تحلیل و شناخت انقلاب اسلامی در ایران، تهران، دانش و اندیشه معاصر.
خواجeh‌سروی، غلامرضا (۱۳۸۲). رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
درویشی، فرهاد و دیگران (۱۳۹۴). «بررسی دلایل شکست جنبش اخوان المسلمین در انقلاب ۲۰۱۱ مصر»، دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۹). لغت‌نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران.
ساندرز، دیوید (۱۳۸۰). الگوهای بی‌ثباتی سیاسی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
روشه، گی (۱۳۹۵). تغییرات اجتماعی، ترجمه منوچهر وثوقی، تهران، نشر نی.
بیانات امام خامنه‌ای، دسترسی در: www.khamenei.ir

- زونیس، ماروین (۱۳۷۱). شکست شاهانه، ترجمه عباس مخبر، تهران، طرح نو.
- سپهری، محمد (۱۳۸۹). خورشید بی غروب، تهران، انتشارات گلبهار.
- سعید، بابی (۱۳۷۹). هراس بنیادین (اروپامداری و ظهور اسلام‌گرایی)، ترجمه جمشیدی‌ها، موسی عنبری، تهران، دانشگاه تهران.
- شبان‌نیا، قاسم (۱۳۹۱). «ارزیابی نظریه چرخشی انقلاب‌ها و تطبیق آن بر انقلاب اسلامی ایران»، مجله معرفت سیاسی، ش ۲، قم.
- ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۳۸۲). کمال‌الدین و تمام‌النعمه، قم، جمکران.
- عطایی، عبدالله و قاسمی، بهزاد (۱۳۹۴). «خوانشی از اندیشه امام خمینی (ع) و حسن‌البناء پیرامون نظام سیاسی»، فصلنامه پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی، س ۴، ش ۱۴.
- عمید، حسن (۱۳۷۵). فرهنگ لغت، تهران، امیرکبیر.
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۹۱). درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، قم، دفتر نشر معارف.
- فراتی، عبدالوهاب (۱۳۷۷). رهیافت‌های نظری بر انقلاب اسلامی، تهران، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری.
- فوزی، یحیی و بهروز پایاب (۱۳۹۰). «مقایسه تطبیقی اشتراکات و افتراقات اندیشه سیاسی جنبش اسلامی سنی اخوان‌المسلمین در مصر و جنبش اسلامی شیعی در ایران»، فصلنامه شیعه‌شناسی، س ۹، ش ۳۶.
- فوکو، میشل (۱۳۷۷). ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر دارند؟، ترجمه حسین معصومی همدانی، تهران، نشر هرمس.
- فولادی، محمد (۱۳۸۷). «استراتژی وحدت در جهان اسلام در اندیشه امام خمینی (ع)»، فصلنامه معرفت، س ۱۷، ش ۱۲۶.
- محمد، ابراهیم و دیگران (۱۳۸۴). جمعیت اخوان‌المسلمین مصر، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- مرادی، مجید (۱۳۸۱). «نظریه دولت در اندیشه سیاسی حسن‌البناء»، مجله علوم سیاسی، ش ۱۹.
- مصباح‌زاده، سیدمحمدباقر (۱۳۹۵). اخوان‌المسلمین: نهضتی که به تاریخ پیوست، مشهد، نشر مرندیز.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۴). پیرامون جمهوری اسلامی، تهران، صدرا.
- _____ (۱۳۸۷). حماسه حسینی، تهران، صدرا.
- _____ (۱۳۸۹). نهضت‌های اسلامی در صد سال اخیر، تهران، صدرا.
- _____ (۱۳۹۸). عدل الهی، تهران، صدرا.

_____ (۱۳۹۹). درس‌های الهیات شفا، تهران، صدرا.

ملکوتیان، مصطفی و سیدمصطفی تقوی مقدم (۱۳۹۶). «مقایسه تأثیر رهبری در تحولات انقلاب فرانسه و انقلاب اسلامی پس از پیروزی»، فصلنامه سیاست، س ۴۷، ش ۲، تابستان.

ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۹). سیری در نظریه‌های انقلاب، تهران، نشر قومس.

معین، محمد (۱۳۸۶). فرهنگ لغت معین، تهران، نشر زرین.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۵). صحیفه امام، تهران، مرکز حفظ و نشر آثار امام

خمینی علیه السلام.

واعظی، سید محمود (۱۳۹۱). بحران‌های سیاسی و جنبش‌های اجتماعی در خاورمیانه:

نظریه‌ها و روندها، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.